

۲۰۱۸۳۸۷

به نام خدا

سرزمین ماتادورها

توبیاس

رومانی ماجرا

مترجم: ویدا خان بابائی



سرشناسه

م. ۱۹۴۷ لوکه دوران، خوان د دایوس،

Luque Durán, Juan de Dios

سرزمین ماتادورها توبیاس و باقی ماجرا/ خواند. دایوس لوکه دوران]؛ مترجم ویدا خان بابایی.

تهران: کتاب دانیال، ۱۳۹۷.

۱۱۲ ص.

۹۰۰۰-۳۰-۹-۸۱۳۶-۶۰۰-۹۷۸ ریل

فیپا

عنوان اصلی: Narraciones españolas para estudiantes extranjeros : nivel elemental

داستانهای اسپانیایی -- قرن ۲۰ م.

Spanish fiction -- 20th century

خان بابایی، ویدا، - ۱۳۷۴، مترجم

۷۹۳۱ ص ۴۷۷ / QP ۱۷۶۶

[۳۶۸/۶ ج]

۵۱۹۸۹۵۸

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت موضوع

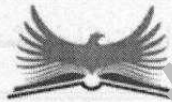
موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی



انتشارات کتاب دانیال

سرزمین ماتادورها توبیاس و باقی ماجرا

مترجم: ویدا خان بابایی

تصویر گر: محبوبه اسماعیل نژاد

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ: خدمات چاپ و نشر دوستان

دفتر مرکزی: تهران - میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین کوچه نوروز پلاک ۳ واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۸۰۵۴۸-۰۹۱۲۷۳۳۹۳۶۷

کلیه حقوق برای ناشر و مترجم محفوظ است

شابک: ۸۷۹-۶۰۰-۸۱۳۶-۰۳-۹

فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	قد کوتاه ها سیگار می کشند
۱۵.....	یک اشتباه مهلک
۱۷.....	لطفا تلفن را قطع کن
۱۹.....	فخر فروشان
۲۱.....	ریش شما چند ساله است؟
۲۳.....	لالایی دل انگیز
۲۵.....	تصادف یک مشتری
۲۷.....	مکالمه خصوصی
۲۹.....	آدرس
۳۱.....	لیوان تمیز است
۳۳.....	چقدر می ارزی؟
۳۵.....	فوتبال
۳۷.....	رادیو و اوقات ترسناک است
۳۹.....	هیپی ها کراوات می زنند!
۴۱.....	جنتل من بازی

۴۳	گم‌شده
۴۵	مجنون
۴۷	ترس از پرواز
۴۹	رئیس حواس پرت
۵۱	برای شما مجانی است
۵۳	برخورد یک متواضع
۵۵	استادش بف
۵۷	دغدغه
۵۹	یک بلیت مجانی
۶۱	بلیت بی مقصد
۶۳	دلیل منطقی
۶۵	شکار
۶۷	راننده شخصی
۶۹	تویاس فرانسوی یاد می‌گیرد
۷۱	درگوشی ممنوع
۷۳	غذای لذیذ
۷۵	اطلاعات کافی است
۷۷	خوک بیچاره
۷۹	حسود
۸۱	دوقلو
۸۳	نه خری رفته، نه خری آمده

۸۵.....	ورود ممنوع.....
۸۷.....	ترازوی خراب.....
۸۹.....	ناشناس.....
۹۱.....	تنبلی.....
۹۳.....	درد یک دهقان.....
۹۵.....	تولد.....
۹۷.....	یک مرگ باشکوه.....
۹۹.....	تعطیلی.....
۱۰۱.....	کراوات فروش.....
۱۰۳.....	یک هدیه ناقابل.....
۱۰۵.....	مادر تبه‌کار.....
۱۰۷.....	لذت تنبیه.....
۱۰۹.....	بچه دلسوز.....
۱۱۱.....	ترفند یک خلاق.....

مقدمه

یازده ساله بودم که یونجر از نمایشگاه کتاب برام کریسمس مانولیتو رو می خره؛ اون کتاب باعث میشه بقیه کتابای مانولیتو رو مشتاقانه دنبال کنم. اون کتاب باعث میشه من عاشق سرزمین ماتادورها شم و با یادگیری زبان شیرینشون بتونم باهاشون ارتباط برقرار کنم.

اون کتاب جرقه‌ی تمام انگیزه های من تو زندگیم شد. حالا الان دیگه بیست و دو سالمه اما مانولیتو همیشه برام موند و بهترین خاطرات دوران کودکیو نوجوانیمو رقم زد. با گذشت این سال ها خواستم انی دینی کرده باشم و آموخته هامو با ترجمه ی این کتابی که برام به راستی بامره بود با تمی مهربان به اشتراک بگذارم. پس با من ورق بزن و به دنیای ماتادورها قدم بگذار.